

Military Crimes Against National Security in Iranian and Iraqi Law

1. Ahmad Hossein Ali Hossein Al-Rakabi: PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Masoud Heidari*: Department of Law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: heidari5525@iau.ir (Corresponding Author)
3. Samah Hussein Ali: Department of Law, Faculty of Law, University of Babylon, Babylon, Iraq
4. Mahmoud Ashrafi: Department of Law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

ABSTRACT

Military crimes against national security in the laws of Iran and Iraq have various legal, material, and moral elements. The criminalization of such crimes in Iranian law is stipulated in the Islamic Penal Code and the Law on the Crimes of the Armed Forces, while in Iraqi law it is codified in the Iraqi Penal Code enacted in 1969. Accordingly, military crimes against national security constitute one of the highly significant subjects that can be examined in various instances. Regarding the foundations of criminalization of military crimes in Iranian and Iraqi law, various jurisprudential, legal, and criminological bases have been adopted, which reveal both commonalities and differences. Therefore, the present study aims to conduct a comparative analysis of military crimes against national security in the laws of Iran and Iraq, using an analytical–descriptive and comparative method. The findings indicate that, despite certain similarities, military crimes against national security in Iran and Iraq differ in some conditions, elements, foundations, consequences, scope of criminalization, and instances.

Keywords: *crimes, security, military, Iranian criminal law, Iraqi criminal law.*

How to cite: Hossein Ali Hossein Al-Rakabi, A., Heidari, M., Hussein Ali, S., & Ashrafi, M. (2026). Military Crimes Against National Security in Iranian and Iraqi Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(1), 1-15.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 05 April 2025
Revise Date: 24 July 2025
Accept Date: 02 August 2025
Publish Date: 21 March 2026



جرائم نظامی علیه امنیت کشور در قانون ایران و عراق

۱. احمد حسین علی حسین الرکابی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. مسعود حیدری*: گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. پست الکترونیک: heidari5525@iau.ir
(نویسنده مسئول)

۳. سماح حسین علی: گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه بابل، بابل، عراق

۴. محمود اشرافی: گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

جرائم نظامی علیه امنیت کشور در قانون ایران و عراق دارای ارکان مختلف قانونی، مادی و معنوی است. مصادیق جرم انگاری این نوع جرایم در حقوق ایران در قانون مجازات اسلامی و قانون جرایم نیروهای مسلح و در حقوق عراق در قانون عقوبات عراقی مصوب ۱۹۶۹ میلادی، مورد تقنین قرار گرفته است و از این رو جرائم نظامی علیه امنیت کشور، یکی از موضوعات بسیار مهمی است که در مصادیق مختلفی قابل مطالعه است. در خصوص مبانی جرم انگاری جرائم نظامی در حقوق ایران و عراق از مبانی مختلف فقهی و حقوقی و جرم شناختی تبعیت شده که دارای وجوه اشتراک و تفاوت‌هایی است. از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی جرائم نظامی علیه امنیت کشور در قانون ایران و عراق به روش تحلیلی-توصیفی و تطبیقی است که به این یافته اشاره دارد که جرائم نظامی علیه امنیت کشور در دو کشور ایران و عراق در برخی شرایط، ارکان، مبانی، آثار، قلمرو جرم انگاری و مصادیق علی رغم برخی شباهت‌ها دارای تفاوت‌هایی است.

واژگان کلیدی: جرایم، امنیت، نظامی، حقوق جزای ایران، حقوق جزای عراق.

نحوه استناددهی: حسین علی حسین الرکابی، احمد، حیدری، مسعود، حسین علی، سماح، و اشرافی، محمود. (۱۴۰۵). جرائم نظامی علیه امنیت کشور در قانون ایران و عراق. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۱)، ۱۵-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۱ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۵

از مهم‌ترین اهداف قانون، از جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای جرایم پیش‌بینی شده، تامین و تضمین نظم و امنیت جامعه است تا افراد، با آگاهی از نتیجه اعمال خود، تمایل به ارتکاب جرم را از دست داده یا در صورت ارتکاب، پس از مجازات، اصلاح شده و دیگر در پی برهم زدن نظم و امنیت کشور و افراد جامعه نباشند. اهمیت امنیت جامعه، خصوصاً در سطح ملی و بین‌المللی، در حدی است که قانون‌گذار، در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، فصل اول آن، جرائم علیه امنیت ملی و جرایم سیاسی و امنیتی را پیش‌بینی نموده و برای آن‌ها، مجازات‌های بسیار سنگینی در نظر گرفته است که گاهی، ناظر بر گرفتن جان مرتکبین است. با توجه به اینکه، این جرایم، مصادیق مختلفی داشته، ضروری است تا برای تعیین مجازات اقدام علیه امنیت ملی و جرائم امنیتی و سیاسی، از مصادیق این جرایم، مطلع بود.

۱- مفهوم جرم نظامی در حقوق ایران و عراق

امنیت ملی و نظم عمومی، بستر آرامش جامعه و همه فعالیت‌های اجتماعی انسان است. دولت‌ها به منظور برقراری امنیت اجتماعی و نگرهبانی از نظم عمومی، نیروهای نظامی و انتظامی مسلح و متعهدی را آماده می‌کنند که آراسته به نظم و انضباط خاصی هستند، زیرا عقیده دارند نیرویی منظم و منضبط است که می‌تواند از استقلال و امنیت ملی در برابر دولت‌های متجاوز دفاع کند و نظم داخلی جامعه را برقرار سازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مأموریت پاسداری از تمامیت ارضی کشور و نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نظم عمومی را بر عهده نیروهای مسلح نهاده است.^۱

تقسیم‌بندی جرایم به نظامی و عمومی آثار زیادی را در پی دارد چرا که جرایم نظامی خطر بسیاری برای جامعه دارند و در نتیجه از مجازات مشدد برخوردارند و قواعد عمومی ارفاق‌آمیز در مورد آن‌ها اجرا نمی‌شود. با این وجود تفکیک بین جرایم نظامی و غیرنظامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. عدم توجه به اهمیت تخصص‌ها در نیروهای مسلح، باتوجه به رویکرد سرکوبگرانه سیاست کیفری، موجب می‌شود تا در اجرای بسیاری از مجازات‌ها، نیروهای مسلح با از دست دادن منابع انسانی خود، دشمنان را به اهداف خود برسانند. تبیین قانونگذاری و جرم‌انگاری در حوزه جرایم نیروهای مسلح، علاوه بر آن که تخصص‌های مربوط به خود را می‌طلبد، مجازات‌های تعیین شده برای آن نیز، از ظرافت‌های خاصی برخوردار است. (Shakeri et al., 2021).

جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، مفهومی کلی در حقوق ایران است و تعیین مصادیق آن دشوار به نظر می‌رسد؛ برای شناسایی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی باید به قوانین مراجعه کرد، بر این اساس می‌توان جرائم مندرج در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مواد ۱۷ تا ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ را مشمول این عنوان دانست (Khaleghi, 2018). جرائم علیه امنیت به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود: جرائم علیه امنیت خارجی به کلیه جرائمی گفته می‌شود که به شکلی باعث تیره‌تر شدن روابط ایران با کشوری دیگر می‌شود یا کشوری بیگانه را به رموز دولت ایران آگاه می‌سازد، همچنین مقصود از جرائم علیه امنیت داخلی، جرائمی است که با قصد اختلال در نظم عمومی، برهم زدن امنیت، تخریب مراکز دولتی و نظامی، خرابکاری در تأسیسات عام‌المنفعه دولتی، ضدیت با دولت و اسقاط آن یا صدمه به جان مسئولان سیاسی کشور صورت می‌پذیرد، این جرائم معمولاً بدون توسل به قدرت‌های خارجی انجام می‌گیرد. ضمناً جرائم علیه امنیت در قانون کیفری یا تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض مستلزم حد می‌شوند یا مشمول مجازات تعزیری قرار می‌گیرند (Habibzadeh, 2010).

^۱ - اصل ۱۵۰ قانون اساسی ایران.

جرم یا بزه نظامی از موضوعات مطرح در حقوق کیفری نظامی است و به جرایمی اطلاق می‌گردد که از قصور نظامیان در حفظ انضباط و تخلف از وظایف که به مناسبت شغل به آن‌ها محول شده، می‌گویند. جرایم نظامی عبارت است از قصور نظامیان در حفظ انضباط و تخلف از وظایف که به مناسبت شغل به آن‌ها محول شده است (Ardabili, 2003).

در حقوق عراق، مفهوم جرم نظامی، انجام عملی است که قانون نظامی آن را ممنوع و جرم انگاری می‌کند و یا خودداری از انجام عملی است که به موجب قانون نظامی دستور داده شده است.^۱

قانون مجازات عراق در مقایسه با قوانین جزایی ایران از سابقه کمتری برخوردار است و طبیعی است از این جهات نسبت به قانون ایران دارای کاستی‌هایی باشد. فاصله قوانین کشور عراق از شرع، بیشتر از فاصله قوانین موضوعه ایران از مبانی فقهی اسلامی است و قانونگذار عراقی نسبت به قانونگذار ایرانی در وضع قوانین بیشتر مایل به عرف و متأثر از آن شده است. در قانون این کشور، مجازات اعدام در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، ارتباطی با قصاص در شریعت اسلامی ندارد و نوعی تعزیر حکومتی و مجازاتی عرفی است. از حیث تطبیق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هجری شمسی با قانون عقوبات عراقی مصوب ۱۹۶۹ میلادی، می‌توان قانون عقوبات عراقی را به مراتب از بعضی جهات شدیدتر تلقی کرد و به نظر می‌رسد شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی در تفاوت این کیفرنگاری‌ها مؤثر بوده است. قانون جزای ایرانی، به خصوص در جرایم امنیتی با کلی گویی و تفویض اختیار تفسیر قانون به قضات، از ورود به جزئیات و تعیین یکایک مصادیق خودداری کرده است، لکن قانون عقوبات عراق، سعی داشته تا با تعیین دقیق مصادیق مجرمانه، اختیارات گسترده قضات را در تفسیر قوانین محدود سازد. هر دو قانون در پیروی از اصول اساسی حقوق کیفری همچون اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل تفسیر مضیق حقوق کیفری، اصل شخصی کردن و فردی کردن مجازات خود را ملزم دانسته اند ولی گاه تفسیر متفاوتی از انواع جرایم و تعیین مصادیق مجرمانه ارائه نمودند (Rabiei, 2021).

جرایم مؤثر بر امنیت خارجی کشور در قانون مجازات عراق در مواد (۱۵۸، ۱۵۹ و ۱۶۰) معین گردیده است و ماده ۱۵۸ این قانون مقرر می‌دارد: «هرکس بخواهد یا با کشوری بیگانه یا با یکی از کسانی که از طرف آن کار می‌کنند برای انجام اعمال خصمانه علیه عراق اقدام کند یا با آن ارتباط برقرار کند، که ممکن است منجر به جنگ یا قطع روابط سیاسی یا ترتیب دادن وسایلی برای انجام آن شود». البته مقررات وافر در زمینه جرایم بر ضد امنیت داخلی و خارجی عراق وضع گردیده است.^۲ با تدقیق در مقررات وضع گردیده می‌توان عنوان نمود که توجه قانونگذار به این نوع جرایم و مصادیق آن موجب وضع مجازات‌های مشدیدی نیز شده است.

۲- مفهوم جرم علیه امنیت در حقوق ایران و عراق

امنیت، اساسی‌ترین نیاز بشر است و به همین دلیل تأمین یا حفظ آن نخستین وظیفه حکومت‌ها است. جرایم علیه امنیت، جرائمی هستند که بر ضد حاکمیت و تمامیت ارضی بوده و مصالح عالی جامعه را هدف قرار می‌دهند. جرایم علیه امنیت، اعمالی است که از طریق ایجاد رابطه با کشورهای خارجی، ایراد صدمه به مصالح ملی، انجام توطئه و یا با ایراد صدمه به اتحاد ملی، در جهت سرنگونی نظام یا تغییر ارکان آن از راه‌های غیر قانونی ارتکاب می‌یابند. جرایم علیه امنیت به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود (Jazayeri, 2015).

^۱- هی عبارت عن القيام بفعل نص على منعه القانون العسكري و جرمه أو الامتناع عن القيام بفعل أمره به القانون العسكري، و بتأكيد يجب أنه يكون الفعل منصوص تجريمه في القانون العسكري وذلك استناداً إلى مبدأ الشرعية في الجرائم والعقوبات.

^۲- الجرائم الماسة بأمن الدولة الخارجي و مصالحها العراقية.

در حقوق ایران جرایم علیه امنیت عبارت است از: ارتکاب اعمال مجرمانه که به قصد بر هم زدن امنیت و اخلال در نظم عمومی و یا به قصد صدمه زدن به حیات حکومت اسلامی و ساقط کردن آن و لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد و آسایش عمومی زمانی تأمین خواهد شد که شئون مختلف زندگی اجتماعی در محدوده قوانین کیفری قرار گیرد و مورد حمایت قانونگذار واقع شود (Shambayati, 2018).

در قانون ایران و بر طبق سیاست‌های افتراقی و کیفری، برای تعیین جرائم علیه امنیت، به موضوع و نتیجه عمل نظر می‌افکنند. هرگاه افعال بزهکار به سازمان و شیوه کار قوای عمومی اعم از منافع سیاسی دولت و حقوق سیاسی شهروندان آسیب و گزند وارد کند جرم علیه امنیت است. بررسی رویکردها و سیاست‌های قانونی در تعریف جایگاه جرائم علیه امنیت نشان داد که در جرائمی که هدف، صرفاً حمله به منافع و آرمان‌های دولت است، هم جرائم به صورت مشخص تعریف و معین شده اند و هم مواد قانونی مشخصی جهت جرم انگاری و برخورد با این جرائم مشخص شده است (Mazaheri, 2019).

در حقوق عراق این نوع جرایم در ذیل جرایم سازمان یافته تعریف شده است. منظور از جرم علیه نظام و امنیت تعریف مشخصی در عراق ندارد و از جرایم سازمان یافته است. اصطلاح جرم علیه نظام و امنیت دو معنای متفاوت دارد، زیرا به معنای فعالیت غیرقانونی، سازماندهی شده بر ضد قدرت و منفعت است. مقنن عراق نیز در مورد جرایم علیه امنیت در کتاب دوم قانون عقوبات عراق با عنوان جرایم علیه منافع عمومی جامعه در دو بخش به این جرایم پرداخته است. در بخش اول، به جرایم علیه امنیت خارجی اشاره کرده است (Kamal, 1998). مواد ۱۵۶ تا ۱۶۲ بند ج ماده ۱۷۴ بند ۳ ماده ۱۷۷ و ماده ۱۹۰ قانون مجازات عراق، خدشه دار کردن استقلال، وحدت یا تمامیت ارضی کشور، ملحق شدن به صفوف دشمن یا نیروهای مسلح کشوری که در وضعیت جنگی با عراق دارد، همکاری با یک کشور خارجی یا با یکی از عوامل آن به نیت جنگ یا قطع روابط سیاسی یا اقدامات خصمانه علیه عراق از قبیل آسیب رساندن یا ایجاد عملیات جنگی علیه جمهوری عراق یا صدمه زدن به عملیات جنگی کشور یا آماده سازی وسایل برای پیروزی کشور متخاصم، اقدام جهت ورود دشمن به کشور یا پیشبرد اهداف آن یا ایجاد تحریک در بین مردم، تضعیف روحیه نیروهای مسلح یا تحریک اعضای آن برای پیوستن به دشمن یا تسلیم شدن در برابر دشمن، تضعیف وفاداری آنان به کشور یا تضعیف اعتماد به نفس و ایستادگی آنان در مقام دفاع یا تسلیم احدی از نیروهای مسلح به دشمن و غیره را جرم انگاری نموده و در مورد ماده ۱۵۸ هر دو حکم اعدام یا حبس ابد را تعیین نموده است (Madihi Tameh, 2021).

آنچه گفته شد، اهمیت جرائم نظامی علیه امنیت را که مستقیماً با استقلال، تمامیت ارضی و امنیت کشور سروکار دارند را نشان می‌دهد. این جرائم، هم در حقوق کیفری ایران و هم در حقوق کیفری عراق، از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در میان قوانین کیفری برخوردار هستند. حتی در ایران، برخی از جرائم نظامی علیه امنیت، مستقیماً ریشه در منابع و احکام فقهی دارند و کاملاً از صبغه شرعی برخوردارند. در این زمینه، جرائمی مانند بغی و محاربه که مجازات‌های به نسبت سخت و شدید نیز برای آن‌ها تعیین شده است از جمله اعدام، قابل ذکر هستند. در عراق نیز همچنان که به مصادیقی نیز اشاره شد، جرائم نظامی علیه امنیت، جرائم مهمی هستند که معمولاً با مجازات‌های سختی از جمله حبس‌های طولی‌المدت، حبس‌های انفرادی، پرداخت جزای نقدی با مبالغ بالا و...، روبرو شده اند.

۳- بررسی تطبیقی جرایم نظامی علیه امنیت کشور در قانون ایران و عراق

از مهم‌ترین اهداف قانون از جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای جرایم پیش‌بینی شده، تامین و تضمین نظم و امنیت جامعه است تا افراد با آگاهی از نتیجه اعمال خود، تمایل به ارتکاب جرم را از دست داده یا در صورت ارتکاب، پس از مجازات، اصلاح شده و دیگر در پی برهم زدن نظم و امنیت کشور و افراد جامعه نباشند (Shambayati, 2018).

امنیت و حاکمیت ملی، همواره مهم‌ترین ارزش برای ملت‌ها بوده و علیرغم تلاش‌هایی که در دوران معاصر برای ایجاد نوعی فدرالیسم فراملی انجام شده است، امروزه دولت‌ها صیانت از امنیت داخلی و خارجی کشور را در زمره مهم‌ترین وظایف و تکالیف خود می‌پندارند. بخشی از فرایند صیانت و پاسداری از امنیت، به نظام کیفری سپرده شده است و نظام کیفری، این صیانت را با جرم‌انگاری جرایم نظامی علیه امنیت، عملی می‌سازد. با توجه به ارزشی که ملل گوناگون، همیشه برای حاکمیت و امنیت خود قائل بوده‌اند و با عنایت به تلاشی که حاکمان در راستای حفظ قدرت و حاکمیت خود و خطراتی که جرایم نظامی علیه امنیت می‌توانند برای حاکمیت و استقلال آن‌ها ایجاد نمایند، از قدیم الایام، مقررات سختی راجع به جرایم نظامی علیه امنیت در تمام ممالک دنیا وجود داشته است. حتی برخی، این مقررات را از نظر زمانی، مقدم بر مقررات راجع به سایر جرایم و مقررات مربوط به حقوق جزای عمومی می‌دانند. بر این اساس، هر عملی که به نحوی، ساختار و ریشه‌های حاکمیت را نشانه می‌گرفت و به نحوی، امنیت، حاکمیت و نیز امنیت عمومی حاکم بر جامعه را لکه دار می‌کرد، جرم علیه حاکمیت و جرم علیه امنیت به شمار می‌آمده و معمولاً هم با مجازات‌های سختی مواجه می‌شده است.

قانونگذاری در حوزه جرایم نیروهای مسلح، در تمام کشورها از ویژگی خاصی برخوردار است، زیرا نیروهای مسلح دارای وظایف مشخص و معینی بوده و برخی از عملکردهای آن در ارتباط مستقیم با امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشد. بنابراین تبیین قانونگذاری و جرم‌انگاری در این حوزه، علاوه بر آن که تخصص‌های مربوط به خود را می‌طلبد، مجازات‌های تعیین شده برای آن نیز، از ظرافت‌های خاصی برخوردار است. وجود برخی شاخصه‌ها در نیروهای مسلح، همچون امنیت ملی و امثالهم، موجب شده تا بازخورد جرائمی که توسط یک فرد عادی در جامعه صورت می‌پذیرد، با فردی نظامی با منصب مهم، انعکاسهای متفاوتی را در جامعه ایجاد نماید.

به دلیل اهمیت و خطر فراوان جرایم نظامی علیه امنیت، امروزه، دولت‌ها در تدوین و تصویب قوانین کیفری، گاه از اصول و قواعد سنتی حقوق جزا نیز فراتر می‌روند و از آن‌ها عدول می‌کنند که نمونه‌هایی از این انصراف را در کشور خود شاهد هستیم از جمله اینکه:

الف- با اینکه اصل بر سرزمینی و درون مرزی بودن جرایم است و اصولاً کشورها جرایم ارتكابی در داخل مرزهای خود را تحت شمول صلاحیت دادگاه‌های ملی خود می‌دانند^۱، ولی ما در ماده ۵ این قانون، به اصل صلاحیت واقعی روبرو هستیم که در آن، جرایم نظامی علیه امنیت و آسایش عمومی که مستقیماً بالاترین مقامات و حساس‌ترین مسائل ایران در ارتباط است، ذکر شده‌اند.

با اینکه اصولاً اندیشه و فکر و تصور مجرمانه، جرم نیست ولی در مواجهه با جرائمی که بر اندیشه لطمه به حاکمیت ملی و امنیت عمومی جامعه بنا شده‌اند و شکل گرفته‌اند، معمولاً دولت‌ها از این اصل حقوق جزا انصراف حاصل کرده و به جرم‌انگاری این قبیل رفتارها مبادرت می‌کنند. مثلاً در عراق و به دنبال وقوع چندین حادثه تروریستی در جای جای این کشور در طول سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ (یعنی زمان اوج گیری فعالیت‌های تروریستی گروه داعش)، مقررات کیفری بسیار سختگیرانه‌ای درباره کسانی که قصد سفر به کشورهای عراق و سوریه داشتند و یا از مبدأ این دو کشور، قصد ورود به عراق را داشتند، وضع شد و بعضاً هنوز هم اجرا می‌شود.

^۱ - مواد ۳ و ۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

طبیعی است که سفر از عراق به این دو کشور و یا از این دو کشور به عراق، در بادی امر و در وضعیت عادی، نمی‌تواند جرم تلقی شود لیکن قانونگذار کشور عراق، به سبب جلوگیری از ارتکاب رفتارهای ضد امنیتی و تروریستی، به جرم انگاری چنین امری مبادرت ورزیده است. اصل کلی در حقوق جزای امروز، آن است که قانون کیفری باید صریح و روشن و غیرقابل تفسیر باشد و جایی برای تفسیر و تأویل موسع و کشدار باقی نگذارد. از سوی دیگر، به پیروی از اصول دیگری در آیین دادرسی کیفری، اثبات اتهام با مرجع مدعی وجود اتهام یعنی دادستان است. با این حال، در مواجهه با جرائم نظامی علیه امنیت، از این اصول نیز تخطی می‌شود. مثلاً در عراق، قانون اسرار دولتی که نسبت به مأموران دولت و در مورد مدارک و اسناد دولتی به تصویب رسیده، از عبارت و کلمات کاملاً مبهم و تفسیربردار استفاده کرده است تا قضات مربوطه بتوانند تا جای ممکن، نفع حاکمیت را در تفسیر قوانین موجود، لحاظ کنند. از سوی دیگر، در راستای اثبات جرائم نظامی علیه امنیت از جمله جرائم مذکور در همین قانون اسرار دولتی، معمولاً اثبات بیگناهی بر عهده متهم است (یعنی امری بر خلاف مفاد و مقتضای اصل براءت) و نه اینکه اثبات گناهکاری با دادستان باشد (که به طور معمول، یکی از پایه‌ها و بنیان‌های آیین دادرسی کیفری است).

در جرائم نظامی علیه امنیت، معمولاً شرایط تحقق قانون جرم، نسبت به جرم عادی، کمتر و اثبات آن‌ها سهل‌تر و آسان‌تر است. برای مثال، در جرائم عادی، معمولاً صرف تهیه مقدمات ارتکاب جرم قابل تعقیب و مجازات، حتی به عنوان شروع، تلقی نشده است لیکن در جرائم نظامی علیه امنیت، قانونگذار، گاهی اعمال مقدماتی را که در راستای ارتکاب جرائم نظامی علیه امنیت ارتکاب می‌یابند، به عنوان یک جرم خاص و تام پیش بینی کرده است. از جمله در عراق، تشکیل گروه مجرمانه برای ارتکاب رفتارهای تروریستی علیه شهروندان عراق و یا مقامات سیاسی این کشور تا سطح معاونان و وزرا، جرم خاص محسوب شده است. قانون جزای این کشور، در مورد تبانی‌های مجرمانه امنیتی نیز همین موضع را برگزیده است. گاه در جرائم نظامی علیه امنیت، برخی از تخفیف‌ها و ارفاق‌ها و مساعدت‌های معمول نسبت به مجرمان و مرتکبان، منع شده اند. به عنوان مثال، در عراق، در جرم «همکاری به صورت جاسوس کشورهای دیگر در قلمرو عراق و یا خارج از قلمرو عراق و به ضرر امنیت ملی و حاکمیت عراق» که در ماده ۴-۴۱ قانون جزای جدید عراق، جرم انگاری شده، هیچ یک از نهادهای ارفاقی معمول در حقوق جزا از جمله تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات، پذیرفته نشده است.

اکراه که به طور معمول در جرائم عادی، عاملی برای رفع مسئولیت کیفری است، در جرائم نظامی علیه امنیت، دلیلی برای این امر محسوب نمی‌شود. مثلاً در عراق مجرم به اکراه شدن به ارتکاب جاسوسی، به هیچ وجه، دفاع مناسبی برای رفع اتهام جاسوسی نیست. در نهایت، مطابق یکی از اصول پذیرفته شده در حقوق جزا، صرف عدم جلوگیری از ارتکاب جرم و عدم معرفی افراد دارای قصد ارتکاب جرم به مأمورین مربوطه از سوی افراد غیر مسئول، جرم تلقی نمی‌شود. این عمل، حتی به عنوان معاونت که نیاز به وحدت قصد و تقارن یا تقدم زمانی عمل معاون نسبت به مباشر دارد، نیز جرم محسوب نشده و قابل مجازات نیست لیکن برخی از قوانین در جرائم نظامی علیه امنیت، قائل به استثناء شده و این موارد را چنانچه در رابطه با این جرائم رخ دهند، جرم محسوب می‌کنند. برای مثال، ماده ۵۰ قانون جزای جدید عراق مصوب ۲۰۰۱، کسی که می‌داند دیگری درصدد جرم خیانت به کشور است ولی مسأله را به مأمورین اطلاع نمی‌دهد، جرم دانسته است و با مجازات چهارده سال حبس مواجه کرده است.

در ایران نیز اهمیت امنیت جامعه، خصوصاً در سطح ملی و بین المللی، در حدی است که قانونگذار ایران، در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، فصل اول آن، جرائم علیه امنیت ملی و جرایم سیاسی و امنیتی را پیش بینی نموده و برای آن‌ها، مجازات‌های بسیار سنگینی در نظر

گرفته است که گاهی ناظر بر گرفتن جان مرتکبین است. با توجه به اینکه این جرایم مصادیق مختلفی داشته، ضروری است تا برای تعیین مجازات اقدام علیه امنیت ملی و جرائم امنیتی و سیاسی، از مصادیق این جرایم، مطلع بود (Peymani, 2011).

در حقوق ایران جرائم علیه امنیت ملی و جرایم سیاسی و امنیتی، در کتاب پنجم قانون مجازات، بخش تعزیرات، تعیین و پیش بینی شده اند که جاسوسی یا تبلیغ علیه نظام، از جمله مصادیق آن بوده و مرتکب به تناسب جرم ارتكابی، به مجازات آن جرم، به عنوان مجازات اقدام علیه امنیت ملی محکوم خواهد شد. این جرایم در قانون مجازات ایران تحت عنوان جرم محاربه، بغی و افساد فی الارض که در کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و جرایم علیه امنیت ملی که در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۵۷ و مواردی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح آورده شده است. جرایم علیه امنیت به دو دسته جرایم علیه امنیت داخلی و جرایم علیه امنیت خارجی تقسیم می شوند (Mirmohammad Sadeghi, 2009).

جرایم نظامی از مباحث مطرح در حقوق جزای نظامی بوده و به جرایمی گفته می شود که از قصور نظامیان در حفظ انضباط و تخلف از وظایف که به مناسبت شغل به آن ها محول شده، می گویند. مأموریت و مسئولیت های خاص نیروهای مسلح موجب شده است تا از حقوق انضباطی خاصی پیروی کنند که با حقوق انضباطی و اداری دیگر بخش های اعمال حاکمیت دولت، تفاوت اساسی دارد. این حقوق انضباطی پادگانی، تابع قوانین و مقررات کیفری مخصوصی است که از آن به حقوق جزای نظامی تعبیر می شود. حقوق جزای نظامی شاخه ای از حقوق جزا است و موضوع آن مطالعه مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرم نظامی است. هرچند قانون اساسی، سازمان و تشکیلات قضایی رسیدگی کننده به جرایم نظامی را بخشی از قوه قضائیه و مشمول اصول و قواعد مربوط به این قوه دانسته است؛ لیکن با تاسیس دادگاه های نظامی، صلاحیت دادرسی جرایم نظامی به دادگاه های نظامی اختصاص یافته است و مرجع رسیدگی کننده به جرایم نظامی را از مراجع قضایی صالح رسیدگی به جرم عمومی، جدا کرده است. علاوه بر قانون اساسی، قوانین و مقررات عادی نیز از نظر آیین دادرسی و رژیم مجازات قانونی و روابط بین الملل میان جرم نظامی و جرم عمومی تفاوت قایل شده است (Barahouei, 2016).

اصولاً جرایمی که یک نظامی مرتکب می شود دو گونه است:

۱) جرایم صرف نظامی؛ جرایمی است که فقط نظامیان قادر به ارتکاب آن هستند و ارتکاب آن از سوی غیرنظامیان ممکن نیست و چه بسا در صورت ارتکاب آن از سوی فرد غیرنظامی، هیچ گونه مسئولیت کیفری در بر نداشته باشد مانند خوابیدن حین نگهبانی، ترک پست و غیره.

۲) جرایمی که نظامیان و غیرنظامیان هر دو قادر به ارتکاب آن هستند مانند خریداری اسلحه یا مخفی کردن آن، ارتشاء و غیره.

جرایم نظامی همان جرایم صرف نظامی هستند که در دسته اول قرار می گیرند. بنابراین ملاک و معیار تشخیص جرایم نظامی، اولاً شخصیت مرتکب جرم است که باید از عضو نیروهای مسلح بوده باشد و ثانیاً طبیعت جرم است که باید در ارتباط با وظایف و مسئولیت های خاص نظامی و انتظامی خود مبادرت به ارتکاب جرم نماید.

تحریک مؤثر نیروهای رزمنده یا اشخاصی که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی، با قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن، در شرایطی که این عمل، محاربه شناخته نشود.^۱

مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت موثر داشته باشد

^۱ - مستفاد از ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات.

محارب محسوب می‌شود. در مورد قصد براندازی باید گفت اصولاً نظامیان به جهت دوره‌های خاص نظامیگری و جنگی که دیده اند، در خصوص برنامه ریزی و ایجاد طرح و ایده جهت انجام عملیاتهای نظامی از پتانسیل‌های مطلوبی نسبت به سایر اقشار جامعه برخوردارند، بنابراین یکی از عناصر مهم در براندازی، وجود طرح و برنامه برای چنین عملیاتی است لذا ارائه طرح و نظارت بر اجرای آن نیز می‌تواند به عنوان عنصر قانونی براندازی مورد قبول قرار گیرد. اصولاً برنامه براندازی یک نظام، به تنهایی امری مشکل و غیرممکن خواهد بود، زیرا همان گونه که برنامه ریزی نیاز به پتانسیل‌های بالا دارد، اجرای برنامه نیز باید به وسیله اشخاص متعدد اجرا گردد، بنابراین اگر فرد نظامی خود اقدام به تشکیل جمعیت یا گروه با هدف براندازی نماید، یا این که در جمعیت و یا گروه عضو گردد، می‌توان آن را از مصادیق رکن قانونی جرم براندازی دانسته و برای آن مجازات تعیین نمود. وقتی حوزه شمول عنصر مادی جرم براندازی را مطالعه نماییم با عناصری مواجه می‌شویم که در آن طراحی، برنامه ریزی، اقدام، تشکیل جمعیت و عضویت در جمعیت به هدف براندازی مشاهده می‌گردد، بنابراین ظهور هر یک از این عناصر که می‌تواند تکمیل کننده حلقه براندازی باشد، برای انتساب اتهام به مجرم یا مجرمین نظامی کفایت می‌نماید (Shakeri et al., 2021).

طبق بندهای «د» و «ه» ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که برای به دست آوردن اطلاعات طبقه بندی شده به نفع دشمن و یا بیگانه به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود، چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌گردد. هر نظامی که عالماً و عامداً فقط به صورت غیر مجاز به محل مذکور وارد شود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود (Rahmdel, 2020).

مطابق بند الف ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که اسناد یا اطلاعات یا اشیاء دارای ارزش اطلاعات را در اختیار دشمن و یا بیگانه قرار دهد و این کار برای عملیات نظامی یا نسبت به امنیت تأسیسات، استحکامات، پایگاه‌ها، کارخانجات، انباری‌های دائمی یا موقتی تسلیحاتی، توقف گاه‌های موقت، ساختمان‌های نظامی، کشتی‌ها، هواپیماها یا وسائل نقلیه زمینی نظامی یا امنیت تأسیسات دفاعی کشور مضر باشد به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

مطابق بند ب ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که اسناد یا اطلاعات برای دشمن یا بیگانه تحصیل کرده و به هر دلیلی موفق به تسلیم آن نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

ماده ۲۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مطرح داشته است: هر نظامی که بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا سهل انگاری یا عدم رعایت نظامات دولتی موجب افشای اطلاعات و تصمیمات یا از بین رفتن اسناد و مدارک مذکور در ماده ۲۶ این قانون شود، با توجه به طبقه بندی اسناد افشاء شده، به ترتیب ذیل محکوم می‌شود: الف- چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات عنوان به کلی سری داشته باشد، به حبس از شش ماه تا دو سال.

ب- چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات و تصمیمات عنوان سری داشته باشد، به حبس از سه ماه تا یکسال. ج- چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات عنوان خیلی محرمانه داشته باشد، به حبس از دو ماه تا شش ماه. اصل یک صد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به جرایم نظامی اشاره دارد بدون اینکه تعریفی از آن ارائه بدهد: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود».

در نظام حقوق کیفری عراق، جرائم نظامی علیه امنیت که تحت عنوان جرائم نظامی علیه ملت یا جرائم نظامی علیه دولت نیز شناخته شده و به کار می‌روند، با انواع جرائم نظامی علیه امنیت از جمله جرائم تروریستی روبرو هستیم که مطالعه رویکرد این کشور در این باره، می‌تواند به عمق ادبیات پژوهشی در کشور ما در باب نحوه مقابله با جرائم امنیتی بیفزاید. در حقوق موضوعه عراق نیز شاهد تصویب قانون مجازات نیروهای نظامی عراق مصوب ۱۹۶۹ می‌باشیم. طبق ماده ۷ قانون مجازات نیروهای نظامی عراق هر حکمی که در مورد یکی از جرایم موضوع این قانون صادر می‌شود می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف: انفصال از خدمت در نیروهای مسلح

ب: محرومیت از مدال و نشان و درجه نظامی

همچنین ماده ۸ نیز مقرر می‌دارد: در صورت اثبات محکومیت متهم در دادگاه نظامی به حبس بیش از پنج سال ممکن است به یکی از مجازات‌های زیر محکوم شود: الف: محرومیت از ارشدیت در درجه ب: تنزل درجه به درجه ج: انفصال از خدمت در نیروهای مسلح مطابق ماده ۱۰ دادگاه نظامی در صورت وقوع جرمی که منجر به خسارات مادی به وجوه یا اشیای متعلق به دولت شود، می‌تواند متهم را به استرداد آن در صورت اثبات جرم یا پرداخت ارزش یا غرامت در ازای آن، اعم از اینکه متهم آن را برای خود گرفته، آسیب رسانده یا از دست داده، دستور دهد. به نحوی که مغایر با قوانین، تصمیمات و مقررات نیروهای مسلح نباشد و مطابق ضوابط عمومی وصول وجوه دولتی باشد (Sadrat, 1961).

طبق ماده ۱۴ قانون مجازات نیروهای نظامی عراق هر دشمن نظامی یا غیر نظامی که به صورت مبدل به پایگاه یا پایگاه نظامی یا جرایم مربوط به دشمن وارد مرکز نظامی، مؤسسه، کارگاه، اردوگاه یا هر مکان نیروهای مسلح و امنیتی به منظور جاسوسی و خرابکاری شود. به مجازات انتظامی محکوم می‌شود.

طبق ماده ۱۵ قانون مجازات نیروهای نظامی عراق هرکس به قصد خیانت در امانت یکی از جرایم زیر را مرتکب شود به اعدام یا به مجازاتی متناسب با عواقب جرم محکوم می‌شود: الف. تسلیم پادگان، پاسگاه یا پست به او یا انداختن سلاح، مهمات، مأموریت یا تجهیزات او بدون دلیل قانع کننده در مقابل دشمن تسلیم یا افشای او به کشور بیگانه یا دشمن یا هرکسی که به هر نحو به نفع او عمل کند، به هر طریقی که شده راز دفاعی باشد یا آن را به نفع دشمن نابود کند. ب: تسهیل در ورود دشمن به خاک جمهوری یا تحویل شهرها، قلعه ها، تأسیسات، سایت ها، بنادر، جزایر، انبارها، کارخانه ها، کشتی ها، هواپیماها، تجهیزات، وسایل ارتباطی، سلاح، مهمات، تجهیزات نظامی، تدارکات، مواد غذایی، دارو یا سایر مواردی که برای دفاع آماده شده است یا آنچه برای آن با تمام وسایل دفاعی که در اختیار دارد و بدون انجام هر کاری که وظیفه و ناموسی لازم است، د: دستیابی به اسرار دفاعی به هر طریقی به قصد تسلیم یا افشای آن به دشمن یا از کسانی که به نفع او هستند. ه: تأمین سلاح، مهمات یا تدارکات دشمن. و: تسلیم به سربازان دشمن که تحت امر او کار می‌کنند. ز: مکاتبات او با کشور خارجی یا دشمن یا اطلاع رسانی اخبار یا داده‌های او با خیانت یا تماس با او. ح: پیشنهاد او به دشمن مبنی بر تسلیم یا آتش بس یا برافراشتن پرچم یا پذیرفتن آتش بسی که از طریق خیانت به او پیشنهاد شده یا بدون داشتن اختیار قانونی یا بدون دستور صریح. ط: پخش، انتشار یا تکرار اخبار، اظهارات یا شایعات در حین خدمت میدانی به هر طریق به قصد ایجاد وحشت، رعب و وحشت یا ایجاد شکست در بین نیروها و این گونه اخبار، اظهارات یا شایعات منجر به تحقق آن شود. ی: کوتاهی عمدی در انجام وظیفه عملیات محوله یا تدارک آنها یا انجام آنها یا تکمیل اجرای

آنها یا تأمین آنها. ک: ممانعت از پیروزی، پیشرفت، حرکت یا تأمین امنیت کل نیروهای مسلح یا هر نیرو یا قسمتی از آن. ل: آسیب رساندن عمدی به عملیات رزمی یا قصد آسیب رساندن به آنها با هر عمل یا رفتاری که به آن هدف می‌رسد.

در فصل دوم قانون مجازات نظامی، دسته بندی اصول محاکمات جنایی نظامی تحریم‌های نظامی مصوب ۲۰۰۷/۰۵/۰۹ انواع مجازات برای جرائم نظامی علیه امنیت کشور مطرح شده است.

ماده ۲۲: اول: هرکس که توسط دادگاه غیرنظامی به جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، جنایات تروریستی، محکوم شده باشد یا به حبس بیش از پنج سال محکوم شده باشد. برای سایر جرائم که پس از لازم الاجرا شدن این قانون مرتکب می‌شوند، اخراجی از ارتش محسوب می‌شوند.

ثانیاً: هرگاه نظامی از سوی دادگاه غیرنظامی به مجازاتی که مستلزم یا اجازه اجرای یکی از مجازاتهای تبعی موضوع بند دوم ماده ۱۰ این قانون باشد محکوم شود، باید به دادگاه ارجاع شود. دادگاه نظامی طبق قانون حکمی به این مجازات برای وی صادر کند.

ماده ۲۶: دادگاه‌های نظامی می‌توانند مجازات‌ها را در یکی از موارد زیر اجرا و تعلیق کنند: اولاً: اگر سربازی به دلیل ارتکاب جرم نظامی به مجازات سلب آزادی محکوم شده باشد و این سرباز قبلاً از سوی دادگاه‌های مدنی محکوم شده باشد و اجرای مجازات به همین دلیل متوقف شده باشد، دادگاه نظامی می‌تواند حکم به اعدام صادر کند. دو مجازات متوالی در صورتی که همان نوع جرمی باشد که قبلاً برای آن مجازات تعیین شده است.

ثانیاً: اگر سربازی به دلیل ارتکاب جرم نظامی به حبس محکوم شود که اجرای آن موقوف است و مرتکب جرم نظامی دیگر شود، در این صورت دو مجازات باید به ترتیب اجرا شود. ثالثاً - اگر سربازی مرتکب جرم نظامی شده باشد و قبلاً به حکم دادگاه مدنی محکوم شده باشد، دادگاه نظامی مختار است اجرای مجازات را متوقف کند، به استثنای آنچه در بند اول ماده ۲۲ آمده است.

ماده ۲۸: مجازات اعدام برای هر یک از موارد زیر اعمال می‌شود: ۱- حذف قسمتی از عراق از اداره دولتی یا قرار دادن عراق یا بخشی از آن در کنترل کشور خارجی. ۲- ترک یا تسلیم به دشمن یا استفاده از ابزاری برای اجبار یا اغوای فرمانده یا شخص دیگری، مشروط بر اینکه به نحوی ترک یا تسلیم شود که با شرایط نظامی، مکان، پاسگاه، پادگان در تضاد باشد. نگهبان و هر کسی که تسلیم شود یا باعث تحویل آزمایشگاه‌های نظامی متخصص در تجهیزات و ابزار شود. و هر کس عمداً با خرابکاری پل‌ها و سدها و راه‌آنها و راه‌های عمومی به کشور آسیب برساند و به دشمن منفعت برساند و موجب مساعدت به دشمن در تصرف بخشی از نیروهای نظامی شود. ۳- چیزها، اسناد، رونوشت‌ها یا اطلاعات نظامی را که باید به‌خاطر مصونیت دولت یا منافع آن مخفی بماند، به دست آورد و در مواقع صلح، مستقیماً یا با واسطه به کشور خارجی تحویل دهد. ۴- مجازات افسری تمام وسایل دفاعی خود به دست دشمن سپرد و یا از استفاده از وسایل مذکور کوتاهی کرد. ۵- فرماندهی یگان‌ها را در فضای باز برعهده داشت و دشمن را تسخیر کرد تا با او قراردادی منعقد کند که مستلزم تسلیم واحدهای نظامی تحت امر او و سلاح‌های آنها بدون انجام وظایف شغلی او بود. ۶- فرماندهی که بدون انجام وظایف فرماندهی خود موجب تسلیم رودخانه و دریا و هوایی که تحت امر او بود و یا تسلیم خدمه آن بود.

نتیجه‌گیری

امنیت، برای همه کشورها و نظام‌های حقوقی، یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها و دغدغه‌هاست. اهمیت بی‌چون و چرای امنیت برای جوامع بشری امروز، تمام نظامات حقوقی را بر آن داشته است تا رفتارهایی که به نحوی، امنیت پایدار جامعه را خدشه دار کرده و با تهدید و مخاطره روبرو

می‌کنند، جرم انگاری کرده و بعضاً با مجازات‌های به نسبت، شدیدتر و سخت‌تر از مجازات‌های دیگر، مواجه کنند. هر جرمی که به نحوی، ارکان نظام سیاسی، شخصیت حقوقی مقامات سیاسی، جلوه‌های امنیت پایدار سیاسی و اجتماعی کشور، امنیت مرزها، امنیت زیرساخت‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی را تضعیف، تخدیش و یا نقض کند، در حقوق جزای ایران و عراق، جرم علیه امنیت شناخته شده است. بنابراین تأمین امنیت کشورها و حفظ و ثبات آرامش در بین عموم مردم یکی از اهداف بسیار مهمی است که هر کشوری به دنبال آن بوده تا با تضمین و تأمین سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی آن را تأمین نماید. جرایم نظامی علیه امنیت، فصل مهم و قابل توجهی از قوانین و مقررات کیفری در غالب کشورها و نظام‌های حقوقی دنیا را به خود اختصاص داده‌اند. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و مواد قانونی مهمی از قوانین جزایی ایران به ویژه مجازات و قانون جرایم نیروهای مسلح، به جرایم نظامی علیه امنیت چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی آن، اختصاص یافته است. از سوی دیگر، در کشور عراق نیز همین وضعیت حاکم است و بخش مهمی از قوانین و مقررات کیفری، به جرایم نظامی علیه امنیت اختصاص یافته است. به ویژه به دنبال ارتکاب چند حادثه تروریستی در این کشور در سال ۲۰۱۶، حساسیت‌ها نسبت به جرایم و مجرمان امنیتی بیشتر هم شده است.

در هر دو کشور ایران و عراق، آیین دادرسی کیفری راجع به جرایم نظامی علیه امنیت، سختگیرانه و همراه با اعمال ضمانت اجرای شدید و بعضاً همراه با عدم امکان نهادها و راهکارهای ارفاقی و تخفیفی و تسامحی است. تفاوت میان حقوق جزای ایران و عراق در زمینه تعیین جرایم نظامی علیه امنیت، ناشی از تأثیر آموزه‌های فقهی و شرعی در ایران در جرم انگاری بعضی جرایم نظامی علیه امنیت در حقوق جزای ایران و فقدان این موضوع در جرایم نظامی علیه امنیت در حقوق جزای عراق می‌باشد. از سوی دیگر، شباهت میان حقوق جزای ایران و عراق در زمینه تعیین جرایم نظامی علیه امنیت، در سختگیرانه بودن پاسخ دهی قضایی به این جرایم و عدم امکان اجرای راهکارها و نهادهای ارفاقی همچون تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات، تسری شمول قوانین کیفری ملی به جرایم ارتكابی علیه ساختار سیاسی و اقتصادی کشور ارتكابی در خارج از مرزها (شناسایی صلاحیت واقعی)، معکوس شدن بار اثبات جرایم و مواردی از این قبیل دانست.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منفعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The maintenance of national security constitutes a paramount objective in both Iranian and Iraqi legal systems, and the criminalization of military offenses against national security reflects the heightened importance of safeguarding sovereignty, public order, and social stability. In Iran, these crimes are codified in the Islamic Penal Code and the Law on the Crimes of the Armed Forces, while in Iraq they are provided for in the Iraqi Penal Code of 1969 and the Iraqi Military Penal Code. Although both jurisdictions adopt a tripartite structure encompassing legal, material, and moral elements, the scope, classification, and procedural treatment of such crimes reveal both

commonalities and divergences. The theoretical basis for criminalization in Iran draws heavily on Islamic jurisprudence and religious-legal principles, particularly in defining acts such as *baghy* (armed rebellion) and *moharebeh* (waging war against God), whereas in Iraq, legislative drafting is more secular in orientation, influenced by customary law and contemporary criminal policy trends (Rabiei, 2021). This difference in normative foundation affects the interpretation of core offenses, the severity of sanctions, and the role of judicial discretion. Despite these divergences, both systems recognize that military crimes against security—whether committed internally or in connection with foreign entities—pose acute risks that justify exceptional legislative responses, including enhanced penalties, procedural restrictions, and limitations on mitigating measures (Habibzadeh, 2010; Khaleghi, 2018).

From a definitional standpoint, the concept of a “military crime” in Iranian law encompasses acts committed by members of the armed forces that breach military discipline or duties assigned by virtue of their position (Ardabili, 2003). Such offenses include both “purely military crimes” that can only be committed by service members—such as desertion from post or sleeping on guard duty—and general crimes with military dimensions, such as espionage or illicit possession of weapons. In Iraqi law, the scope is defined by military statutes as acts prohibited or mandated by military legislation, with failure to comply constituting a punishable offense. Iraqi criminal law tends toward precise enumeration of prohibited acts, in contrast to the Iranian approach, which often delegates interpretive latitude to judges, particularly in the application of broadly defined national security provisions (Rabiei, 2021). The categorization of crimes against security in both systems distinguishes between “internal” threats, such as sedition or disruption of public order, and “external” threats involving hostile relations with foreign states (Jazayeri, 2015). Iranian statutory law treats these as offenses either subject to *hudud* punishments—like *moharebeh* and *efsad fel-arz*—or *ta’zir* penalties, while Iraq addresses them within the framework of organized crimes against the state, with detailed provisions under Articles 156–162 of its Penal Code (Madihi Tameh, 2021).

The comparative analysis reveals that in both jurisdictions, criminal policy toward military offenses against national security frequently departs from ordinary criminal law principles, reflecting the perceived existential threat posed by such conduct. For example, the general principle that preparatory acts are not punishable is relaxed; in both Iran and Iraq, preparatory behaviors such as forming a group with the intent to commit hostile acts, or possessing certain classified materials, are criminalized as complete offenses (Shakeri et al., 2021). Similarly, evidentiary standards and the burden of proof may shift in these cases, particularly in Iraq, where in certain state secrets prosecutions the defendant bears the burden of proving innocence, a deviation from the presumption of innocence. Jurisdictional principles also expand: both systems assert real jurisdiction over crimes against national security committed abroad if they target the state’s sovereignty or integrity (Peymani, 2011). Moreover, procedural safeguards such as the availability of plea bargains, sentence suspension, or parole are frequently restricted, with Iraqi law expressly excluding these measures in espionage and treason cases (Rahmdel, 2020).

Iran’s substantive provisions display a layered structure, with the most severe crimes—such as armed rebellion or providing classified information to enemies—punishable by death under specific conditions (Mirmohammad Sadeghi, 2009). The Law on the Crimes of the Armed Forces enumerates offenses such as unlawful entry into secure facilities, disclosure of classified documents, or negligence resulting in the loss of sensitive materials, with penalties scaled according to the classification level of the information (Rahmdel, 2020). Iraq’s Military Penal Code, by contrast, contains extensive lists of acts constituting treason or espionage, from surrendering fortifications

and sabotaging military infrastructure to supplying the enemy with weapons or logistical support (Sadrat, 1961). In both systems, the legislative intent is to preserve the functional integrity of the armed forces by deterring conduct that could undermine operational capacity, morale, or strategic advantage. This deterrent objective is reflected not only in the severity of punishments but also in the breadth of proscribed behaviors, some of which would not be criminalized in a civilian context. The historical and socio-political contexts of each country have shaped their respective legislative approaches. In Iran, the intertwining of national security with the ideological preservation of the Islamic Republic has meant that certain military crimes against security are defined in explicitly religious terms, and their adjudication often involves reference to Sharia-based evidentiary and substantive norms (Mazaheri, 2019). In Iraq, the legacy of political instability, foreign intervention, and internal insurgencies—particularly the rise of ISIS between 2014 and 2017—has driven a legislative trend toward specificity and comprehensiveness in defining military crimes, often with an emphasis on counterterrorism measures. This specificity contrasts with the more generalized Iranian formulations, which leave broader interpretive authority to judicial actors. In both jurisdictions, however, the escalation of penalties for certain military crimes has corresponded with periods of heightened security threats, reflecting a reactive criminal policy responsive to national crises (Kamal, 1998).

In practice, the prosecution of military crimes against national security in both countries involves specialized judicial mechanisms. In Iran, military courts operate under the judiciary but maintain distinct jurisdiction over offenses tied to military duties, with procedures adapted to the security-sensitive nature of these cases (Barahouei, 2016). In Iraq, military tribunals possess authority not only to impose criminal penalties but also to order administrative sanctions such as demotion, dismissal, or deprivation of military honors. The dual capacity to impose both penal and disciplinary measures underscores the hybrid nature of military justice systems, situated at the intersection of criminal law and organizational discipline. Notably, Iraqi law also permits cumulative penalties, allowing for both imprisonment and the imposition of service-related sanctions for a single act, thereby reinforcing the deterrent effect and the protection of military cohesion.

Ultimately, the comparative legal landscape illustrates that while Iran and Iraq share the strategic imperative of protecting national security through the criminalization of military offenses, their approaches diverge in normative underpinnings, legislative technique, and the balance between judicial discretion and statutory specificity. Both systems endorse expansive definitions of threat conduct, extend jurisdiction beyond territorial boundaries, and curtail certain procedural safeguards, yet the Iranian framework is more deeply embedded in religious-legal tradition, whereas the Iraqi model reflects a codified, detail-oriented, and often secular legislative style. These differences, while rooted in distinct legal cultures and historical trajectories, converge in their shared prioritization of state security over individual leniency in the context of military crimes.

References

- Ardabili, M. (2003). *General Criminal Law, Vol. 1*. Mizan Publications.
- Barahouei, S. (2016). A Review of the Jurisdiction of the Judicial Organization of the Armed Forces. *Journal of Judicial Procedure*(38).
- Habibzadeh, M. J. (2010). *Legal Thoughts (1): A Collection of Special Criminal Law Articles*. Negah-e Bineh Publications.
- Jazayeri, A. (2015). *Judicial Security in Iranian Criminal Law and the Jurisprudence of the European Court of Human Rights*. Saman Danesh Publications.
- Kamal, A. (1998). *The Soul and Its Emotions, Vol. 1*. Dar al-Arabiya lil-Tibaa.
- Khaleghi, A. (2018). *Notes on the Criminal Procedure Code*. Shahre Danesh Publications.

- Madihi Tameh, M. (2021). A Comparative Study of Death Penalty Crimes in Iranian and Iraqi Criminal Law. *Quarterly Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(3).
- Mazaheri, A. (2019). The Place of Crimes against Security in Iran's Criminal Policy (Examples: Espionage, Entry into Prohibited Places, Propaganda against the Regime, and Bombing). *Quarterly Journal of Political Science, Law, and Jurisprudence Studies*, 5(1).
- Mirmohammad Sadeghi, H. (2009). *Crimes against Public Security and Order*. Mizan Publications.
- Peymani, Z. (2011). *Special Criminal Law: Crimes against Public Security and Order*. Mizan Publications.
- Rabiei, A. (2021). *Iraq's Penal Code of 1969 with Later Amendments*. Majma'-e Elmi va Farhangi-ye Majd.
- Rahmdel, M. (2020). Espionage and Treason against the Country. *International Law Research Journal*, 8(28).
- Sadrat, A. (1961). *Criminal Law and Criminology*. Kanoon-e Ma'refat.
- Shakeri, Y., Salehi, A., & Rezaei, G. (2021). Iran's Criminal Policy Regarding Military Crimes. *Police Criminology Research Quarterly*, 2(4).
- Shambayati, H. (2018). *Special Criminal Law*. Majd Publications.